

جنبش حقوق زنان در ایران

طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷

الیزساناساریان

مترجم: نوشین احمدی خراسانی



نشر اختران

ساناساریان، الیز
جنبش حقوق زنان در ایران / طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷ /
الیز ساناساریان. / مترجم نوشین احمدی خراسانی. -- تهران: اختران، ۱۳۸۴.
ISBN 964-7514-78-6

۲۰۸ ص.
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص، [۱۹۸] - ۲۰۴.

۱. زنان - ایران - وضع سیاسی و اجتماعی. ۲. زنان ایران -- فعالیتهای سیاسی. ۳. ایران
-- تاریخ پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ -- جنبشها و قیامها. الف. احمدی خراسانی، نوشین، ۱۳۴۸.
- ، مترجم. ب. عنوان.

۳۰۵ / ۴۲۰۹۵۵

س ۹ الف / ۵ / HQ ۱۲۳۶

م ۸۴ - ۹۷۹۶

کتابخانه ملی ایران

The Women's Right Movement in Iran
Praeger Pub. 1982

این کتاب ترجمه‌ای است از:



نشر اختران

جنبش حقوق زنان در ایران

طغیان، افول و سرکوب: از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷

نویسنده: الیز ساناساریان

مترجم: نوشین احمدی خراسانی

طرح جلد: ابراهیم حقیقی

چاپ اول ۱۳۸۴

شماره نشر ۸۷

شمارگان ۲۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی ریحان

تلفکس انتشارات: ۶۶۴۱۰۳۲۵ - تلفن فروشگاه: ۶۶۴۱۱۴۲۹ - ۶۶۹۵۳۰۷۱

<http://www.akhtaranbook.com>

Email: info@akhtaranbook.com

ISBN 964-7514-78-6

شابک: ۶-۷۸-۷۵۱۴-۹۶۴

کلیه حقوق برای نشر اختران محفوظ است

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار مترجم
۱۳	فصل ۱: مقدمه
۱۵	چارچوب نظری
۱۹	مشکلات تحقیق
۲۳	چکیده مطالب کتاب
۲۷	فصل ۲: موقعیت زنان و ریشه‌های مشارکت اجتماعی و سیاسی آنان
۲۷	اوضاع اجتماعی زنان
۳۱	زنان و انقلاب مشروطیت
۵۱	فصل ۳: خیزش جنبش حقوق زنان، ۱۳۱۱-۱۲۹۸
۵۵	ویژگی‌های جنبش زنان در ایران
۸۲	نتیجه
۸۹	فصل ۴: زوال جنبش حقوق زنان، ۱۳۳۱-۱۳۱۱
۸۹	عوامل درونی بازدارنده رشد جنبش زنان: سنجش سه گزاره
۹۴	رضاشاه و جنبش زنان
۱۱۲	تجدید حیات محدود و کنترل شده ۱۳۳۱-۱۳۲۰
۱۲۳	فصل ۵: رسمیت‌بخشی و هم‌گرایی
۱۲۴	هم‌گرایی سازمان‌دهی شده ۱۳۴۵-۱۳۳۵
۱۲۹	سازمان زنان ایران
۱۴۵	اصلاحات قانونی در رابطه با زنان

فصل ۶: حقوق زنان و جنبش ضدشاه ۱۵۹

آموزش در برابر نظام ارزش‌های سنتی ۱۶۱

ظواهر محیط اجتماعی - سیاسی ۱۶۹

خوش‌بینی قبل از انقلاب ۱۷۴

نتیجه ۱۸۲

فصل ۷: دورنمای آینده ۱۸۷

کتابشناسی ۱۹۸

پیش‌گفتار مترجم

تاکنون آثار و پژوهش‌های مختلفی درباره نقش زنان در تحولات یک‌صد ساله اخیر به‌ویژه در دوران مشروطیت منتشر شده است. اما هنگامی که کتاب حاضر - جنبش حقوق زنان در ایران نوشته الیز سانساریان - به‌دستم رسید با مطالعه آن احساس کردم با کتابی متفاوت روبه‌رو هستم.

ویژگی این کتاب که آن را از دیگر آثار چاپ شده متمایز می‌سازد، پرداختن به جنبش زنان از زمان مشروطیت تا اوایل انقلاب ۱۳۵۷ از منظر جامعه‌شناسانه است. تاکنون تحقیقات به‌عمل آمده در این حوزه نگاهی تاریخ‌نگارانه و عمدتاً وقایع‌نگارانه داشته‌اند، اما نویسنده در این کتاب، وقایع تاریخی را دستمایه کار خود قرار داده تا تحلیلی جنسیتی از رویدادهای تاریخ معاصر ارائه دهد.

با وجود آنکه سال‌ها - به‌خاطر انتشار سالنمای زنان ایران، و هم‌چنین کار روی کتاب سناتور (با همکاری پروین اردلان) و نیز مصاحبه‌های متعدد «تاریخ شفاهی زنان» - درگشت و گذاری بی‌پایان در متون تاریخی مربوط به مبارزات زنان کشورم سپری کرده‌ام، با این حال ترجمه این کتاب برای من روشنی‌بخش بسیاری از نادیده‌هایم بوده است.

از سوی دیگر با وجود آنکه نزدیک به دو سال کار فشرده بر روی ترجمه کتاب فرهنگ نظریه‌های فمینیستی (به همراه فیروزه مهاجر و فرخ قره‌داغی) درگیر واژه‌سازی و درک فضای مباحث فمینیستی بوده‌ام، ترجمه این کتاب کمک کرد تا به حلقه مفقوده‌ای که بین متون فمینیستی غربی با مسایل زنان در ایران در ذهن داشت‌م دست یابم. زیرا در این کتاب، مسایل جنبش زنان در ایران

با اصطلاحات و واژگان فمینیستی و در بافت متون فمینیستی غربی به نگارش درآمده است و از این رو مریاری کرد تا بتوانم ارتباط نظریه‌های غربی را با بافت جامعه خود بهتر درک کنم. برای نمونه وقتی در متن انگلیسی کتاب به کلمه «فمینیست» در گفته‌های محمدرضا پهلوی در کتاب‌اش (مأموریت برای وطنم) برخورددم، متعجب شدم و با خود گفتم «چه جالب، شاه در آن زمان کلمه فمینیست را به کار برده است!» اما وقتی به متن فارسی کتاب او مراجعه کردم، متوجه شدم که خیلی ساده، برای اصطلاح «طرفدار حقوق زنان» معادل انگلیسی «فمینیست» به کار رفته است. با این که خود سال‌ها دم‌دست‌ترین معادل فارسی که برای واژه فمینیست استفاده کرده‌ام از قضا همین «طرفدار حقوق زنان» بوده است، اما استفاده معکوس آن در نگاه‌ام طور دیگری نمود یافته بود و این امر از وجود حلقه‌ای مفقوده در ذهنم خبر می‌داد. در واقع برای من که تاکنون درگیر مناقشات بسیاری در مورد کاربرد واژه فمینیست در ایران بعد از انقلاب بوده‌ام، این اتفاق ساده سبب شد که آن همه بحث و جدل و حساسیت‌های بیهوده در به کارگیری واژه فمینیست برایم کمی مضحک جلوه کند و جدل‌هایی چنین پیچیده و انرژی‌سوز برای استفاده یا عدم استفاده از واژه فمینیست در ایران تعجب‌آور شود.

تجربه دیگری که حین ترجمه این کتاب به دست آوردم هنگامی بود که با اصطلاح «فمینیست‌های اولیه ایرانی» مواجه شدم. در کتاب فرهنگ نظریه‌های فمینیستی نویسنده آن (مگی هام)، زنانی مانند الیزابت کدی استاتون و... را فمینیست‌های اولیه نام‌گذاری کرده بود، و سانساریان نیز از همین اصطلاح (فمینیست‌های اولیه ایرانی) برای نام‌گذاری صدیقه دولت‌آبادی و زندهخت شیرازی و... سود برده است. به کارگیری اصطلاح «فمینیست‌های اولیه» برای تعریف این گروه از زنان ایرانی، احساس شعف و شگفت‌زدگی را در من برمی‌انگیخت. در واقع برای من که واژگان و متون فمینیستی غربی را خوانده بودم و آن‌ها را در ذهن یا روی کاغذ به فارسی برگردانده بودم، روند معکوس

آن، جرقه‌ای روشنی‌بخش بود و گسستی را که در اعماق ذهنم وجود داشت زدود. گویی استفاده سانساریان از واژگان و اصطلاحات فمینیستی برای تحلیل جامعه ایران سبب شد که آن واژگان و اصطلاحات فمینیستی را - که تا آن زمان در ذهنم به‌نوعی «بیرونی» بودند - از آن خود کنم. در واقع متوجه شدم همه پدیده‌ها و دستاوردهای دنیا می‌تواند مال ما هم باشد به شرطی که از آن‌ها به‌طرزی خلاق استفاده کنیم و گرنه مانند میز و صندلی‌هایی که در خانواده‌های سنتی در اتاق پذیرایی، سال‌ها متروک می‌ماند و خانواده‌ها در کنار آن میز و صندلی‌های شیک هم چنان روی زمین سفره غذا می‌گسترند، هیچ‌گاه از آن‌ها نخواهد شد و همیشه بیگانه و بیرونی خواهند ماند.

اما از دیگر ویژگی‌های تحقیق حاضر آن است که نویسنده، جنبش زنان در ایران را در کنار دیگر کشورهای خاورمیانه قرار می‌دهد و رویدادهای ایران را در روندی ملی، منطقه‌ای و جهانی زمانه‌اش بررسی می‌کند، و در پروسه این بررسی، دیدگاه نظریه‌پردازان غربی و غیرایرانی را نیز ملحوظ می‌دارد؛ و با این نگاه چندجانبه‌نگر، سانساریان تحلیلی جنسیتی - جامعه‌شناختی از جنبش زنان ایران را در بافت ملی و بین‌المللی به‌دست می‌دهد. این ویژگی سبب می‌شود با خواندن کتاب حاضر بتوان به درکی عمیق و چندسویه از وقایع یک‌صدساله اخیر ایران دست یافت.

ویژگی دیگر این تحقیق آن است که در عین جامعیت، روان و موجز به‌نگارش درآمده است و از این رو می‌تواند برای خوانندگان نسل جوان جذاب باشد. از طرف دیگر این کتاب، نمونه درخشان و قابل استنادی از تحقیق جامعه‌شناسانه به دانشجویان رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم سیاسی و به‌ویژه دانشجویان رشته مطالعات زنان عرضه می‌کند که می‌تواند الگویی برای تحقیقاتی از این دست باشد.

نکته نهفته دیگر در این کتاب، زمان نگارش آن است. پژوهش حاضر در بحبوحه دوره انقلاب ۱۳۵۷ به‌نگارش درآمده و در سال ۱۳۶۱ به چاپ رسیده

است. همین مسئله باعث شده است نویسنده بتواند واقعیت زنده و ذهنیت فعال بخشی از زنان کشور را در آن دوره تاریخی به خوبی نشان دهد. اظهارنظرهایی که امروزه مردم در مورد آن دوره بیان می کنند با توجه به آن که از دهلیزهای «زمان» گذر کرده، دست نخورده و خالی از تحریف نیست. چراکه افراد خاطرات و گذشته خود را ناخودآگاه به صورت گزینشی بیان می کنند و این مشکلی است که خود من در تجربه مصاحبه های «تاریخ شفاهی زنان» با آن روبه رو بوده ام. بدین سبب این تحقیق به لحاظ زمان انجام آن، دارای ارزش ویژه ای در ثبت تحول تاریخی جنبش زنان است و هرچند بسیار کوتاه و موجز اما با رویکردی متفاوت به ذهنیت واقعی زنان آن دوره می پردازد و سند جالب توجهی برای آیندگان برجای می گذارد.

مسئله دیگری که با ترجمه این کتاب به آن دست یافتم این که تا پیش از ترجمه متن حاضر، تصور می کردم تنها در زمانه کنونی است که فعالان جنبش زنان در ایران - با توجه به دسترسی بیشتر به منابع غربی و متون فمینیستی - قادر شده اند به تحلیلی جنسیتی و دیدگاه های عمیقاً فمینیستی مجهز شوند، اما نویسنده این کتاب نشان داد که باور من نادرست بوده است. گرچه روشن است که تعداد زیادی از زنان فعال در دهه ۱۳۵۰ اکنون از نظریه پردازان مهم جنبش کنونی زنان ایران محسوب می شوند اما قبلاً تصور می کردم که این گروه از زنان فعال در دهه ۱۳۵۰ دارای نگاه عمیق جنسیتی نبوده اند و پس از وقایع انقلاب ۵۷، آنان به تدریج به دیدگاه های فمینیستی روی آوردند، اما ینش فمینیستی نویسنده این کتاب نشان می دهد که در آن دوره نیز زنانی با تحلیل عمیق جنسیتی وجود داشته و فعال بوده اند.

پیش از خاتمه لازم می دانم برای آشنایی خوانندگان با مؤلف کتاب شرحی مختصر درباره «الیز ساناساریان» ارائه دهم. دکتر الیز ساناساریان فوق لیسانس و دکترای خود را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه ایالتی نیویورک در بوفالو گرفته است. وی متخصص در حوزه های سیاست قومی تطبیقی، زنان

در توسعه بین‌المللی، سیاست تطبیقی و... است. الیز ساناساریان اکنون در کالج USC تدریس می‌کند. وی هم‌چنین عضو انجمن آمریکایی علوم سیاسی، انجمن مطالعات ایران و انجمن مطالعات ارمنیان است. از او کتاب مهم دیگری به نام اقلیت‌های مذهبی در ایران^۱ توسط انتشارات دانشگاه کمبریج در آوریل سال ۲۰۰۰ به چاپ رسیده است.

سرآخراز دکترهما هودفر (مسئول مرکز زنان تحت قوانین اسلامی) که متن انگلیسی کتاب را در اختیارم گذاشت و تشویق‌های او زمینه‌ساز ترجمه این کتاب شد تشکر می‌کنم. هم‌چنین سپاس خود را از پروین اردلان که پیش از چاپ، متن ترجمه را خواند و ویرایش آن را بر عهده گرفت نیز ابراز می‌دارم. در ضمن از اسد نبوی که فشرده فصل دوم کتاب را پیش‌تر ترجمه نموده بود و در اختیارم قرارداد سپاسگذارم. در نهایت امیدوارم همان‌طور که ترجمه کتاب جاب‌جای من بسیار سودمند بوده است، خوانندگان این کتاب نیز بهره‌دلوخواه را از آن بگیرند.

نوشین احمدی خراسانی

1. *Religious Minorities in Iran* (Cambridge University Press, 2000).